

## پایش اندیشه

اشاره: در ایام عزاداری سرور و سالار شهیدان، حضرت اباعبدالله الحسین<sup>علیه السلام</sup> تشریه پایش سبک زندگی پای صحبت‌های یکی اندیشمندانی نشست که علاوه بر آثار خوب و متنوع پیرامون جریان کربلا و عاشورا، فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی فراوانی را تجربه کرده و در عین حال از فعالیت‌ها علمی نیز بازمانده است. حضرت آیت‌الله نظری منفرد صاحب کتاب‌هایی چون: «قصه کربلا»، «فن خطابه»، «تاریخ اسلام» و «وقعه کربلا»، «صحیفه کربلا»، «صلح خوتین»، «قصه کوفه»، «قصه مدینه»، «قصه هجرت»، «کشف المحجۃ لثمره المهجۃ»، «محرق القلوب»، «مفتاح الفلاح (کلیدهای رستگاری)» و «بهضت‌های پس از عاشورا» است و با سوابقی چون دو دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی، سخنرانی و تدریس، کارشناس مذهبی در رسانه‌های مختلف (به‌ویژه در برنامه‌های رادیو معارف، بر بال سخن، تا آسمان و اندیشه‌ها)، مطالب فراوانی را در سینه دارد که خیلی از آنها را نگاشته و خیلی‌های دیگر را نیز به رشته تحریر درنیاورده است. گفتگوی زیر محصول گفتگوی کارشناسان پایش سبک زندگی با ایشان است؛ امیدواریم مورد استفاده نخبگان علمی سیاسی جامعه اسلامی مان قرار بگیرد!



**پایش:** ضمن تشکر از این که فرصت ارزشمند خودتان را در اختیار ما قرار دادید، نشریه پایش سبک زندگی - که مخاطب آن نخبگان سیاسی و علمی جامعه هستند - بانزدیکی ماه محرم، ماه عزاو ماتم امام حسین و اهل بیت پیامبر(ص)، خدمت حضرت عالی رسیدیم تا پیرامون فرهنگ عزاداری و تأثیر آن بر سبک زندگی شیعیان نکاتی را بیان بفرمایید. آثار متنوع و کارهای متنوع حضرت عالی نشان از این دارد که مطالب ارزشمند شما راهگشای خوبی برای مخاطبین ما خواهد بود. در ابتدا تاریخچه مختصری از سبک عزاداری به طور کلی و عزاداری بر امام حسین(ع) به طور خاص را بیان بفرمایید

**آیت الله نظری منفرد:** تشکر می کنم از وقتی که در اختیار بنده قرار دادید تاریخچه عزاداری برمی گردد به عصر معصومین(ع). اساساً اگر ما بخواهیم تاریخچه عزاداری را خصوصاً نسبت به شهید بررسی کنیم برمی گردد به عصر رسول اکرم(ص) و ایشان برای ما اسوه است؛ همانطور که قرآن مجید پیامبر را اسوه قرار داده است: **لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ** پیامبر در مراجعت از جنگ احد وقتی دیدند که انصار برای شهیدانشان مشغول عزاداری هستند و گریه می کنند و از کنار خانه حمزه عبور کرد و دید خانه حمزه ساکت و آرام است فرمود: **و اما حمزه فلا بواکی له**. زندهای انصار جمع شدند و شروع به گریستن کردند. گریستن زن های انصار برای حمزه سبب شد پیغمبر خدا در حق آنها دعا کرد. بنابراین عزاداری برای شهید یک سنت حسنه ای است که این سنت حسنه از عصر رسول خدا(ص) پایه گذاری شد.

باز نمونه دیگری در عصر ایشان است که هنگامی که جعفر طیار در جنگ موته شهید شد، خود پیامبر آمد منزل جعفر طیار و بچه های کوچک جعفر طیار، عبدالله، جعفر و اینها را در آغوش گرفت و مورد توجه قرار داد و اسماء بنت عمیس که همسر حضرت جعفر طیار بود را تسلی داد. موارد دیگری هم برای تسلی شهدا بوده است. بنابراین عصر رسول اکرم(ص) عصری بوده که برای شهدا مراسم عزاداری تشکیل می دادند. تا رسیدیم به مسئله امام حسین(ع). راجع به امام حسین(ع) همانطور که از روایات استفاده می شود، ائمه ما تأکیدی داشتند بر عزاداری. معمولاً عزاداری را بعد از شهادت انجام می دهند وقتی به زندگی امام سجاد(ع) مراجعه می کنیم یکی از بکانون امام سجاد(ع) است که سی و نودی سال در مصیبت حضرت امام حسین(ع) گریه و اشک می ریختند و می فرمودند: **قتل ابن رسول الله عطلشان، رسول الله جاتعا، و برای امام حسین(ع) گریه می کردند.**

**پایش:** عزاداری چه نقشی در حفظ دین و آموزه ها و شعائر دینی داشته و دارد؟

**آیت الله نظری منفرد:** معمولاً نگاه انسان به امور، گاهی نگاه استقلال و گاهی نگاه الی است. انسان از باب نمونه عینکی را که می خواهد تهیه کند. گاهی به جنس عینک نگاه می کند که مرغوب است یا نیست و گاهی در چشم خودش می گذارد و با عینک، چیزهای دیگر را می بیند. اصطلاحاً به حالت اول، «نظر استقلالی» می گویند و حالت دوم که عینک را به چشم می زند نظر، نظر الی است. عزاداری همینطور است به دو نگاه ما به عزاداری نگاه می کنیم یک نگاه

عزاداری برای شهید، سنت حسنه ای است که این سنت حسنه از عصر رسول خدا(ص) پایه گذاری شد.

استقلالی است که امام حسین(ع) شهید شده و گریه برای امام حسین(ع) ثواب دارد و نفس خود عزاداری در روایات هم وارد شده که یک عمل مطلوبی است و ثواب دارد. از یک جهت دیگر نظر به عزاداری نظر الی است یعنی عزاداری یک وسیله ای است برای احیای دین. کسانی که در مراسم عزاداری حضور پیدا می کنند با ایده امام حسین و هدف ایشان آشنا می شوند و کارهایی که امام حسین انجام داده را مورد توجه قرار می دهند. مثل این که حضرت امام حسین(ع) از سپاه این زیاد خواست یک شب مهلت بدهند تا خدا را عبادت و قرآن را تلاوت کنند. ایشان در روز عاشورا در مقابل سپاه با آن تیرهایی که می آمد - ایستاد و نماز خواند. یا سخنانی که هنگام حرکت از مدینه ایشان به محمد بن حنفیه فرمودند: این سخنان نشان می دهد امام حسین(ع) چه هدفی را دنبال می کرد: **إِنِّي لَمْ أَخْرَجْ لِنَفْسِي وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلْبِ الْأَصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِي؟** این طلب اصلاح یک هدف مقدسی از نحوه حرکت است که مورد توجه امام حسین(ع) بوده است.

از اهداف دیگر امام حسین(ع)، نامه هایی است که برای افراد اشخاص یا بلاد فرستاد. به عنوان نمونه، نامه ای که برای مردم بصره فرستادند در آن نامه هم وضعیت موجود و هم وضعیت مطلوبی که برای آن قیام

کرده‌اند را بیان کردند. در آن نامه مرقوم فرمودند: «ألا وإن السنة قد أميتت وإن البدعة قد أحييت فإن تسمعوا قولي و تطيعوا أمري أهدكم سبيل الرشاد» وضعیت موجود را این‌گونه توصیف کردند، که سنتها و ارزش‌ها مرده و بدعت‌ها زنده شده‌اند. بنابراین در این شرایط و ظرف، انسان نباید سکوت کند. باید سنتها را زنده کنیم و بدعتها را از میان برداریم. امام حسین (ع) برای این قیام کردند. نگاه به عزاداری، هم نگاه استقلالی است و خود عزاداری مطلوب است و هم یک وسیله‌ای است برای ترویج و احیای آن آرمانهایی که امام حسین (ع) داشته است تا بتوانیم آن آرمانها را در این ایام عزاداری، تبیین و مردم را در جریان قرار بدهیم.

**پایش:** امروزه سبک زندگی مردم با آسیب‌های فراوانی مواجه است که مقداری از آن از سطره فرهنگی غرب و مقداری نیز از مشکلات فرهنگی داخلی ناشی می‌شود. عزاداری بر امام حسین (ع) در ایام محرم، چه تأثیری می‌تواند بر اصلاح سبک زندگی مردم ایران داشته باشد؟ **آیت‌الله نظری منفرد:** از آنجایی که ما می‌دانیم اسلام دین برتر است و احکام، اخلاق و معارف اسلامی - که مجموعه اینها را دین می‌گویند - را ما به‌عنوان دین پذیرفته‌مرضی پیش خدای متعال، قبول کردیم، باید تلاش کنیم که سبک زندگی اسلامی خود را براساس رهنمودهای اسلامی ترتیب بدهیم و آن‌گونه هماهنگ کنیم که مردم سبک زندگی‌شان را از اسلام بگیرند. از این حیث ایام عزاداری فرصت خوبی است که آنچه که وارد سبک زندگی ما شده - و قطعاً



آسیب‌زننده به افراد و خانواده‌هاست - از طرفی آسیب شناسی کنیم که چه چیزی به آنها آسیب می‌رساند؛ سپس مردم را در جریان آسیب‌ها قرار بدهیم. سبک زندگی اسلامی‌ای که ما معتقد هستیم، آنها ارزشهای ما و تأمین‌کننده همه جنبه‌های روحی، خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی افراد هستند. چون معتقدیم اسلام یک دین جامع و کاملی است: **الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا.** بنابراین آن سبک‌هایی که وارد زندگی ما شده و به زندگی ما آسیب می‌رساند، مردم را در جریان آنها و آسیب‌هایش قرار دهیم و سبک زندگی اسلامی که یک سبک ایده‌آل و پسندیده است و سبکی است که انسان را در راستای ارتقای روحی و اخلاقی قرار می‌دهد، آن سبک زندگی را در این ایام عزاداری به مردم برسانیم.

**پایش:** فرمایش حضرتعالی همان نگاه آلی است که فرمودید و باید مبلغین و مروجین سبک زندگی اسلامی از این موقعیت‌ها استفاده کنند و سبک زندگی اسلامی را به مردم ارائه کنند. حال سؤال ما این است با همین نگاه آلی آیا نفس عزاداری بر امام حسین (ع) بدون اینکه مروجین بخواهند با قصد به مردم سبک زندگی اسلامی ارائه کنند - بر سبک زندگی افراد تأثیری دارد؟ **آیت‌الله نظری منفرد:** امروزه در دنیا یکی از چیزهایی که روی آن تأکید می‌شود و می‌خواهند جامعه را از حالت افسردگی بیرون بیاورند و به جامعه نشاط بدهند - که مشکلی جهانی است - این است که یک کاری کنند که مردم شاد باشند و بخندند. این در جای خودش چیز خوبی است؛ که ما بتوانیم افسردگی را از جامعه بگیریم و نشاط را به جامعه برگردانیم. اما این که راه رسیدن به رفع افسردگی و برگرداندن نشاط، منحصر در خندیدن باشد، این درست نیست. گریه یکی از چیزهایی است که در کنار خنده، به انسان نشاط می‌دهد و شخص گریه

گریه کننده این نشاط را بعد از گریه احساس می کند؛ یک احساس سبکی که به او نشاط می بخشد. مثلاً شخص داغ دیده، اگر گریه نکند، ممکن است در درونش بیماری هایی تولید بشود. تنها گریه است که راه نفوذ این بیماری ها را می گیرد و یک احساس سبکی به شخص عزادار و مصیبت دیده دست می دهد. این شخص را نمی توان از راه خنداندن تسکین داد، در او نشاط ایجاد کرد و افسردگی او را رفع نمود. شاید یکی از حکمت هایی که گفته اند انسان برای امام حسین (ع) گریه کند - جدای از ثوابی که دارد - این است که نشاط را به جامعه برمی گرداند و انسان احساس نشاط می کند.

گاهی گریه برای امام حسین (ع) برای مصائب او نیست؛ بلکه گریه شوق است. کما این که در ادبیات هم وارد و ذکر شده است. مثلاً آن شاعر عرب می گوید:

تبکیک عینی لا لأجل مثوبة

لکنما عینی لأجلک باکیه  
گریه می کنم برای تو یا اباعبدالله (ع) نه برای ثواب و پاداش، گریه می کنم؛ لکنما عینی لأجلک باکیه چون دوست دارم. گاهی گریه، گریه شوق است گاهی گریه ترس است و گاهی برای ثواب است؛ گاهی برای خالی شدن عقده های درونی انسان است؛ گاهی شخصی می گوید بگذار یک مقداری گریه کنم تا آرام بگیرم. گریه آثار و فواید زیادی دارد که یک جهتش هم برای ثواب است؛ اما اگر ما گریه را منحصر برای ثواب کنیم، درست نیست؛ عزاداری هر کجا اثر خودش را دارد و این آثار، برایش مترتب است.

**پایش:** چه مؤلفه هایی برای عزاداری صحیح در لسان روایات یا سنت های مورد عمل و تأیید ائمه (ع) و پیامبر (ص) برشمرده شده است؟

**آیت الله نظری متفرد:** ما دو گونه می توانیم مردم را در جریان مصائب امام حسین (ع) قرار بدهیم تا محبت مردم را نسبت به امام حسین (ع) و اهل بیت (ع) بالا ببریم؛ چون یکی از وظایف ما محبت به اهل بیت (ع) است. به عبارت دیگر، خود «حب اهل بیت» موضوعیت دارد: **قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ**؛ آیه شریفه می فرماید: **فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ**. ما خدا را باید دوست داشته باشیم: **وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَاداً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ**. این محبت است که به دنبال آن محبت الهی می آید.

شاید یکی از حکمت هایی که گفته اند انسان برای امام حسین (ع) گریه کند - جدای از ثوابی که دارد - این است که نشاط را به جامعه برمی گرداند و انسان احساس نشاط می کند.

محبت هم نشأت گرفته از معرفت است؛ یعنی منشأ و مصدر محبت به خدا و اولیای او، شناخت است. شناخت درست، محبت به دنبال دارد؛ به دنبال محبت نیز اطاعت می آید. اینها مترتب هستند و در طولی هم قرار گرفته اند: عمل و اطاعت، به دنبال محبت می آید؛ محبت هم به دنبال معرفت می آید. ما مأمور به محبت به اهل بیت (ع) هستیم: **قُلْ لَا**

**لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى**؛ مودت بالاتر از محبت است. نسبت مودت و محبت، عام و خاص مطلق است و مودت نسبت به محبت خاص است؛ یعنی هر مودتی محبت است؛ اما هر محبتی مودت نیست. گاهی درجه اعلا ی محبت را با لفظ عشق تعبیر می کنند که آن را مودت می گویند. علی ای حال گاهی ما پیرامون آنچه که بر امام حسین (ع) گذشته را بیان می کنیم و مردم بعد از آن که شناخت، معرفت و علاقه ای یافتند، گریه می کنند (گاهی برای ثواب و گاهی برای شوق). گاهی نیز زبان حال می خوانیم. زبان حال دو گونه است: بعضی زبان حال ها قابل قبول نیست (به جهت اینکه در شأن اهل بیت (ع) نیست). برخی نیز بدون اشکال است. در این صورت، زبان حال یعنی طبع حال ایجاب و اقتضا می کرده که چنین اتفاقی بیفتد. این قسم دوم اشکالی ندارد؛ چرا که قسم دوم در خدمت ائمه (ع) مطرح شده و ائمه (ع) صحنه بر آن گذاشته اند. به عنوان نمونه «دعبل خزاعی» در مرو خدمت حضرت امام رضا (ع) آمد و قصیده تائیه ی معروف خود که ۱۲۴ بیت است را خواند. در این قصیده، مصائب زیادی هست؛ من جمله مصائب امام حسین (ع) را ذکر کرده است. از اول که شروع می کند: **مدارس آیات خلعت من تلاوة**

**و مهبط وحی مقفر العرصات**  
تا به این اشعار می رسند:  
**أری فیتهم فی غیرهم متقسماً**  
**وَ أیدیهم من فینهم صفرات**  
حضرت تأسف و تأثر پیدا کرده و گریه می کنند. پس از آن، ایشان (دعبل) روضه می خوانند:



صادق (علیهم السلام) خواننده و ایشان در حق کمیت دعا کرده و امضا کرده‌اند. در حقیقت اشعار کمیت مضمونش، مضمون زبان حال است.

**پایش:** آیا از طرف اهل بیت (ع) شکل خاصی برای عزاداری وارد شده است؟ یا قول، فعل و تقریری از معصوم (ع) برای سبک خاصی از عزاداری (در تأیید یا نفی) در روایات ما وجود دارد؟ این مسئله از آن جایی اهمیت پیدا می‌کند که در طول تاریخ سبک‌های خاصی برای عزاداری در بین ملت‌ها و امت‌ها در آمده که با دوره های قبلی خود متفاوت بوده است. در آینده نیز ممکن است سبک‌های متفاوت تری برای عزاداری ظهور کند.

**آیت‌الله نظری منفرد:** نسبت به سبک عزاداری آنطور که از روایات استفاده می‌شود و مردم چه میکنند کاری ندارم. اما چیزی که از روایات استفاده می‌شود یکی از

کسانی که در مجالس شعر می‌خوانده و مردم گریه می‌کردند، شخصی است به نام «جعفر بن عفان» (اگر اشتباه نکنم). آمد خدمت امام صادق (ع) و شروع کرد اشعاری را خواندن و حضرت فرمود: «لا، کما تنشدون و کما ترثیه عند قبره». یعنی آرام خواند و فرمود با همان لحنی که در جمع می‌خوانی عرف جماعت، آنطور بخوان. معلوم می‌شود تکیه به صدا خواندن در روایات هست و ائمه یا برخی از اصحاب ائمه بر آن تأکید کرده‌اند. مثل سید حمیری که یک شاعر توانایی بوده و از کسانی بوده که در عصر حضرت صادق (ع) می‌زیسته و اشعارش مشهوری در مدح اهل بیت (ع) دارد. یک کسی آمد، یک وقتی نزد ایشان و گفت من احساس می‌کنم طبع شعر دارم می‌خواهم برای اهل بیت شعر بسرایم سید اجازه داد. شروع به خواندن شعرهایش کرد. یک بیت شعرش خطاب به اهل بیت (ع) این بود:

ما بال بیتکم یخرب سقفه

و ثیابکم من اردل الاثواب

یعنی ای اهل بیت می‌بینم که سقف خانه‌های شما خراب است و لباس‌های شما لباس‌های مندرس و کهنه‌ای است. گفت این چه شعریه؟ تو آمده‌ای اهل بیت (ع) را مدح کنی؟ این آسیب رساندن به اهل بیت است. بعد شروع کرد به خواندن اشعار زیبای خودش؛ که یک قصیده مفصلی راجع به امام حسین (ع) است (من الآن با اینکه شعر را حفظ هستم اما ارتجالاً به ذهنم خطور نکرد برایتان بخوانم). گفت می‌خواهی راجع به اهل بیت شعر بگویی، این طور بگو! این نشان می‌دهد که یک کاری نکنیم که احیاناً این انعکاس

أفاطم! لو خلتِ الحسینَ مُجدلاً

وقد ماتَ عطشاناً بِسُطِ فُرَاتِ

إِذْ لِللَطْمِ الخَدَّ فاطم! عندَه

وَأَجْ رُيْتِ دَمْعَ العینِ فی الوَجَنَاتِ

این زبان حال است. دعبل که حضرت زهرا را ندیده که صورت بخراشد و گریه کند این را خدمت حضرت می‌خواند و حضرت او را تخطئه نمی‌کند که کجا دیده‌ای؟ به‌طور طبیعی هر مادری فرزندش را ببیند گشته شده، اشکش جاری می‌شود و صورت می‌خراشد. این زبان، زبان حالی است که خدمت ائمه خوانده شده و تقریر معصوم کنار آن است؛ که تقریر، قول و فعل معصوم نیز حجت است.

نظیر اشعار دعبل را در اشعار «کمیت ابن زید اسدی» می‌بینیم. او اشعار خود را خدمت امام باقر و

نسبت به اهل بیت (ع)، انعکاس منفی باشد. به صورت کلی هر کاری که در راستای کرامت اهل بیت نباشد و یا در راستای ضرر رساندن به اهل بیت (ع) باشد نباید اضافه بشود. تشخیص آن نیز به عهده عقلاست. حضرت آقا امام عسکری در اواخر عمرش به شیعه توصیه فرموده: «اتقوا الله وكونوا زیناً ولا تكونوا شیناً، جزوا اینا کل موّده، وادفعوا عنّا کل قبیح، فإِنَّه ما قیل فینا من حسن فتحن أهله، و ما قیل فینا من سوء فما نحن كذلك، لنا حق فی کتاب الله، و قرابة من رسول الله (ص)، و تطهیر من الله، لا یدعیه غیرنا إلا کذاب». هر قبیح و چیز ناپسندی را از ما دفع کنید و یک کاری کنید که مردم نسبت به ما علاقه پیدا کنند. هر چیز خوبی که درباره ما گفته شود ما اهلش هستیم و هر چه بد بود، ما اهلش نیستیم.

هر مودتی محبت است؛ اما هر محبتی مودت نیست. گاهی درجه اعلای محبت را با لفظ عشق تعبیر می کنند که آن را مودت می گویند.

**پایش:** از فرمایشات حضرت عالی اینطوری به دست می آید که شکل و سبک خاصی از سوی اهل بیت وارد نشده، بلکه ما می توانیم برای سبک عزاداری مطلوب از دیدگاه اهل بیت (ع) شاخص در بیاوریم.

**آیت الله نظری منفرد:** شاخص هایی که عقلا بپسندند یک کاری نکنیم که مردم نسبت به اهل بیت (ع) بدبین شوند و بگویند مثلاً ائمه چنین و چنان دستور دادند (کارهای خلاف خواسته اهل بیت). این روایتی که از حضرت امام حسن عسکری عرض کردم: «جزوا

اینا کل موّده، وادفعوا عنّا کل قبیح، فإِنَّه ما قیل فینا من حسن فتحن أهله، و ما قیل فینا من سوء فما نحن كذلك...». این کلام، کلام آخر ائمه است. ایشان حرف آخر را برای عصر غیبت زده اند، که ما روش و سبک مان در عزاداری چگونه باشد.

**پایش:** عزاداری با همه محسناتی که دارد، همچنان که حضرت عالی هم اشاره فرمودید یک سری آسیب های شکلی و محتوایی نیز دارد؛ که امروزه به صورت هنجار درآمده و تغییر دادن آن ها کار آسانی نیست. از این منظر شما چه آسیب هایی را در شکل و محتوای عزاداری های امروز می بینید؟

**آیت الله نظری منفرد:** مانمی توانیم مصداق ذکر کنیم چون این باعث می شود خودش در جامعه بحران به وجود بیاورد. پیش نهادم این است که سراغ مصادیق نروید. ما کلیات را بیان می کنیم نه مصادیق را. ما عرض می کنیم هر چیزی که عقلا نمی پسندند و با کرامت اهل بیت (ع) سازگار نیست، ما نباید آن کارها را انجام داد. می دانید بعضی از مصادیق ذکر شده که این نه! و آن آری! و در جامعه بحران ایجاد کرده است. ما کلیات را بگوییم، کلیات خودش گنجانده شده است که آن چیزهایی که عقلا آنها را می پسندند؛ بالاخره عقل دیروز یا عقل امروز تفاوت نمی کند و باز می گوییم هر چه با کرامت اهل بیت منافات دارد، نباید انجام شود.

**پایش:** آیا با کلی گفتن مردم متوجه می شوند؟

**آیت الله نظری منفرد:** چرا نمی شوند؟

**پایش:** به طور مثال در برخی دسته های عزاداری، تعداد طبل زن از بقیه افراد بیشتر است. صدای بلند طبل های بزرگ مردم آزاری و همسایه آزاری است. اگر این آسیب مصداقی به مردم گفته نشود، ممکن است خیلی ها متوجه نشوند و آن را کار درستی تلقی کنند.

**آیت الله نظری منفرد:** حالا بگوییم طبل زدن مردم آزاری است، شما در مراسم رژه که می روید طبل می زنید چرا آنجا می زنید و اینجا اشکال دارد؟ می گویم سراغ مصادیق برویم مشکل پیدا می کنیم. پیامبر خدا نیامده با همه رسومات مبارزه کند؛ این کار را نکرد. مثلاً به یکی از همسرانش فرمود: «لَوْلَا أَنْ قَوْمَكَ حَدِيثٌ عَهْدٍ بِشِرْكَ أَوْ بِجَاهِلِيَّةٍ لَهَدَمْتُ الْكَعْبَةَ فَأَلَزَقْتُهَا بِالْأَرْضِ وَجَعَلْتُ لَهَا بَاتِينَ بَابًا شَرْقِيًّا وَبَابًا غَرْبِيًّا»؛ کعبه در عصر حضرت ابراهیم دو در داشت. در عصر جاهلیت یک در را بستند و یک در را گذاشتند. فرمود اگر قوم تازه مسلمان نبودند کعبه خراب می کردم و دو در برای آن می گذاشتم. اما پیامبر این کار را نکرد؛ چون نمی شد با تمام سنتها مبارزه کرد نشان هم داده است که اگر ما بخواهیم با تمام سنت هایی که در جامعه هست، احیاناً آسیبی هم به کسی نمی زند مقابله کنیم، به نتیجه نمی رسیم؛ گاهی هم نتیجه معکوس می دهد.

**پایش:** مراکز فرهنگی در ترویج فرهنگ عزاداری صحیح چه نقشی می توانند داشته باشند؟

**آیت الله نظری منفرد:** مراکز فرهنگی باید فرهنگ سازی کنند و مردم را در جریان صحیح عزاداری و مرام سیدالشهدا قرار دهند؛ آن چیزی که کرامت امام

این بافتا و دریا می‌نماند / زخم آتش برش از خون حسین / این شفا و با خون حسین / صید کما زود و خون حسین

# بار این ربه چشم آیزن / عطا شد اسبنت / عبدالمعین / بیابا / بی صوغ غزوات

حسین (ع) ایجاب می‌کند که حاضر نشد ذلت را بپذیرد و روز عاشورا فرمود: «الَا وَاِنَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدْرُكَزْبَيْنِ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ السَّلَةِ وَالذَّلَةِ وَهِيَهَاتِ مِنَ الذَّلَةِ وَمَا آخِذٌ بِالذَّنْبَةِ»، خدا این ذلت نمی‌پذیرد: یا ای الله لنا ذلك، ورسوله والمؤمنون، و حجور طابت و طهرت، و أنوف حمية، و نفوس أیة من أن نؤثر طاعة اللثام، علی مصارع الكرام، الا وانی زاحف بهذه الأسرة علی قلة العدد وخذلان الناصر!

این خطبه حماسی که امام حسین (ع) در روز عاشورا خواندند، نشان می‌دهد که امام حسین (ع) با ذلت مخالف است. هر چیزی که احساس می‌کنیم از آن بوی ذلت نسبت به امام حسین (ع) می‌آید، بایستی آن را برداریم. این‌ها آسیب است که باید از طریق مراکز فرهنگی از بین بروند و باید نسبت به آن‌ها فرهنگ‌سازی شود؛ اما اولاً به تدریج، ثانیاً به شیوه‌های مختلف مثل مقاله‌نویسی، اعزام مبلغ و ... مردم

را باید آرام آرام در جریان گذاشت تا به تدریج آن فرهنگ درست، جایگزین فرهنگ نادرست شود. **پایش:** آسیب‌هایی که امروزه در فرهنگ عزاداری ما وجود دارد، چه تأثیری بر دین‌داری یا سبک زندگی اسلامی مردم می‌تواند داشته باشد؟

**آیت‌الله نظری منفرد:** البته آسیب‌ها را نمی‌توانیم به صورت کبری کلی بگوییم چه مقدار تاثیر دارد؟ بعضی آسیب‌ها از نظر بازتاب خارجی تاثیر دارد که باید آنها را کنار بگذاریم. من نمی‌دانم بعضی از مصادیق را ذکر کنم یا نه؟ می‌ترسم در جامعه مشکل ایجاد کند. مثلاً من نگاه کردم، برخی از افراد عزاداری را به این شکل انجام می‌دهند که شیشه‌های قدی را خرد می‌کنند و به صورت عریان روی شیشه‌های خرد می‌غلطند. اینها کارهایی نیست که بتوانیم برایش یک توجیه درستی داشته باشیم؛ قطعاً ائمه (ع) هم راضی نیستند که این کارها را ما انجام

بدهیم. درست است که او می‌خواهد محبت خودش را نشان بدهد؛ اما نه به این صورت. یا انسان بخوابد روی زمین و صورتش را به زمین بخراشد؛ این کار نه توجیه عقلایی دارد نه توجیه شرعی و کاری نیست که عقلاً و عرفاً بپسندد. نمی‌خواستیم مصادیق را ذکر کنیم ولی چون شما اصرار کردید گفتیم.

باید یک کاری کنیم که سبک صحیح عزاداری را که ائمه (ع) گفته‌اند رواج پیدا کند. ائمه (ع) فرموده‌اند: برای امام حسین (ع) گریه کنید: «أنا قاتل العبرات»، اما گریستن مستلزم این نیست که روی شیشه بخوابم و بغلطم؛ آنهم عریان. گاهی حتی بچه را عریان کرده‌اند، بچه به شدت وحشت کرده، او را عریان و حشت‌زده روی شیشه خرده‌ها می‌غلطانند؛ اینها در شأن اهل بیت نیست. یا این که من بیایم صورتم را به زمین روی سنگ بمالم این صحیح نیست. تشکر می‌کنیم انشاء الله موفق باشید.